

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

ادامه بررسی اقوال پیرامون کیفیت جمع بین تعابیر وارده در حد مسافت شرعی؛

بعد از این که اقوال، ادله و روایات را ملاحظه فرمودید، حال باید ببینیم که بالأخره آیا در اینجا ما برای قصر نماز دو ضابطه داریم؟ یعنی هر یک از این دو عنوان اگر محقق شود نماز قصر می شود؛ یا اینکه یک ضابطه داریم و آن یک ضابطه کدام است؟ اقوال را در جلسات قبل گفتیم و اینک نیز به بعضی هایش هم اشاره می کنیم مثلاً:

قول شهید اول(ره): ایشان در کتاب ذکری تقریباً اصرار بر ثمانیه فراسخ دارد؛
قول شهید ثانی(ره): ایشان بر خلاف شهید اول(ره)، بر مسیره یوم تاکید دارد؛
قول صاحب مدارک(ره): ایشان می گوید هر یک از این دو تا باشد کفایت می کند.

اینها که از ارکان فقه هستند، یعنی هر یک از اینها نه تنها قائل دارد، قائلینی که از نظر قوت فقهی در رده های اول هستند. حالا ببینیم که تحقیق چه اقتضایی می کند؟

منافشه بر نظریه صاحب مدارک(ره) از منظر مختار؛

ما قول صاحب مدارک(ره) را به راحتی می توانیم رد کنیم و رد آن این است که به صاحب مدارک(ره) عرض می کنیم اگر ما بودیم و این دو روایت، یعنی یکی روایت ابی ایوب و ابی بصیر که در این دو روایت کلمه «أو» داشت و فرمود: «فی مسیره یوم أو بریدین»، «بیاض یوم أو بریدین»، در این صورت حق با شما بود و می گفتیم که کلمه «أو» اقتضا دارد که اگر هر یک از اینها محقق شود، نماز قصر شود.

اما سؤال ما از شما صاحب مدارک(ره) این است که با روایات زیادی مواجه هستیم که می گوید مسیره یوم همان بریدان است و مسیره یوم همان ثمانیه فراسخ است، حال شما این روایات را چکار می کنید؟ بله اگر فقط ما بودیم و روایات واجد کلمه ی «أو» در این صورت حق با شما بود؛ اما این همه روایات داریم که می گوید مسیره یوم و این همان بریدان است، بریدان همان ثمانیه فراسخ است، یعنی اینها ظهور خیلی روشنی دارد در اینکه اینها دو تا نیستند که ما بگوئیم مخیرید هر یک از اینها را اخذ کنید، لذا به راحتی فرمایش صاحب مدارک(ره) قابل جواب است.

حالا که این قول کنار می‌رود، باید ببینیم کدام یک از این دو قول دیگر را اختیار کنیم؟ باز هم در بحث‌های گذشته اینکه ادعا شد که یکی از این دو تعبیر، اماره‌ی برای دیگری باشد این را رد کردیم و گفتیم چند مناقشه بر این نظر وجود دارد که عبارتند از:

مناقشه اول:

این است که ما هیچ روایتی نداریم که بر این مدعا قرینه باشد، بر این‌که مثلاً مسیره یوم، اماره برای ثمانیه فراسخ است یا بالعکس. و اشکالات این اماریت را گفتیم.

مناقشه دوم:

اینجا این نکته را می‌خواهیم اضافه کنیم که آیا بین این دو مطلب یعنی اماریت و حکمت بودن برای تشریع تارض است یا اینکه این دو مطلب، قابل جمع هستند که یک فقهی از طرفی بگوید مسیره یوم که در روایات آمده «لِلإِشَارَةِ إِلَى حِكْمَةِ التَّشْرِيعِ» است و از طرف دیگر هم بگوید مسیره یوم اماریت دارد. به نظر ما این دو مطلب قابل جمع نیست ولو مرحوم آقای بروجردی(ره)، مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی(ره)، مرحوم محقق حائری(ره)، اینهایی که قائل شدند به اینکه این مسیره یوم، اماریت دارد و دیگر توضیح نمی‌دهیم مقصود از اماریت چیست؛ اینها از یک طرف می‌گویند اماریت دارد و از طرف دیگر می‌گویند این مسیره یوم اشاره‌ی به حکمت تشریع دارد.

به نظر ما این دو مطلب قابل جمع نیست، چه اینکه اگر ما می‌گوئیم این اشاره به حکمت تشریع دارد یعنی این در تعیین قصر دخالتی ندارد و اگر بخواهیم بگوئیم اماریت دارد یعنی «فی بعض الفروض» این به عنوان موجب قصر قرار می‌گیرد، لذا این هم یک اشکالی است که در کلمات این آقایان وجود دارد؛ پس ما قول به اماریت را قبول نداریم، ولی این طرف را قبول داریم و اثبات هم می‌کنیم که مسیره یوم برای حکمت تشریع ثمانیه فراسخ است، اما دیگر بحثی از اماریت نباید به میان بیاید، پس این قول هم مسئله‌ای که احدهما اماره باشد برای آخر، کلام غیر صحیحی است.

تبیین یک مناقشه دیگر بر نظریه محقق اصفهانی(ره) و صاحب جواهر(ره) از منظر مختار؛

نکته‌ی سوم گفتیم اینکه در روایات بگوئیم از نظر شرعی شارع یک معنای خاصی برای مسیره یوم کرده که مرحوم صاحب جواهر(ره) ادعا کرد و از کلمات مرحوم محقق اصفهانی(ره) هم استفاده می‌شد تا یک اندازه‌ای، این را هم عرض کردیم حرف درستی نیست، ما برای مسیره یوم در این روایات یک معنای جدید شرعی ملاحظه نمی‌کنیم. چه اینکه طبق:

«نظریه صاحب جواهر(ره)»:

از عبارات صاحب جواهر(ره) استفاده می‌شود که ما کلام جواهر را مفصل گفتیم و مناقشاتش را مطرح کردیم؛ صاحب جواهر(ره) می‌خواهد بفرماید اگر کسی این حرف را قبول نکند، این ادعا که مسیره یوم یک معنای شرعی دارد و آن همان ثمانیه فراسخ است؛ از عبارات ایشان استفاده می‌شود که باید بگوئیم ضابطه فقط همان مسیره یوم است. چرا؟ ولو این مطلبی که من عرض می‌کنم صاحب جواهر(ره) تصریح نکرده ولی وقتی در عبارات جواهر دقت کنیم ایشان مدعایش این است که مسیره یوم، معنای شرعی دارد و لذا اگر کسی ثمانیه فراسخ را آمد ولو در یک دقیقه شارع می‌گوید این مسیره یوم است، ولی اگر کسی این را قبول نکند، صاحب جواهر(ره) می‌خواهد بفرماید مرجحات مسیره یوم به عنوان ضابطه بیش از مرجحات ثمانیه فراسخ است؛

چون می‌فرماید چهار مرجح در اینجا وجود دارد که عبارتند از:

مرجح اول:

«لأنه الأصل في المسافة و التقدير بالبريدين تقديرٌ له»، اصل در مسافت همین سیر است، تقدیر به بریدان اندازه‌گیری برای این سیر است اما اصل مسافت همین حرکت و سیر است. بلکه صاحب جواهر(ره) اینها را به عنوان مرجح ذکر می‌کند، مرجح اول این است که اصل در مسافت این است.

مرجح دوم:

«لأن دلالة النص عليه أقوى»، دلالت نص بر مسیره یوم اقوای از دلالت نص بر ثمانیه فراسخ است.

مرجح سوم:

می‌فرمایند «لأن الأصل الذي اعتمد عليه الفاضل» یعنی مرحوم علامه حلی(ره)، مرحوم علامه و غیر علامه بر همین مسیره یوم اعتماد کردند.

مرجح چهارم

هم وضع لغوی‌اش را استدلال می‌آورد که قبلاً توضیح دادیم. برای این به کلام صاحب جواهر(ره) برگشتیم که روشن شود که اگر صاحب جواهر(ره) بگوید کسی این معنای حادث شرعی را از ما قبول نکند، ما باشیم و ادله و مرجحات، باید مسیره یوم را ملاک قرار بدهیم.

و طبق نظریه مرحوم محقق اصفهانی(ره)، ایشان هم می‌فرمود: روایات، در مسیره یوم ظهور بیشتری به عنوان ضابطه دارد، مخصوصاً آن روایت ابن حجاج که «جرت السنة على بياض يومٍ»، یا بعضی از روایات دیگر. آیا اینها را ما بیائیم به عنوان ترجیح قول مسیره یوم قبول کنیم یا اینکه بگوئیم روایات ثمانیه فراسخ بیشتر است، دیروز عرض کردیم 37 یا 38 تا روایت داریم مربوط به ثمانیه فراسخ است. برای مسیره یوم یک روایت داریم، جمع بین این دو تا هم در نه تا روایت آمده است.

مناقشه بر نظریه صاحب جواهر(ره) از منظر مختار؛

حال طبق تحقیق مناقشه بر نظر صاحب جواهر(ره) این است که ما به صاحب جواهر(ره) عرض می‌کنیم که این استدلالاتی که فرمودید بعضی‌هایش اجتهاد در مقابل نصّ است، چون وقتی راوی از امام(ع) سؤال می‌کند که مقداری که نماز در آن قصر می‌شود چقدر است؟ در 38 روایت امام می‌فرماید «ثمانية فراسخ» یا «بريدٌ في بريد»، حال ما چطور بیاییم و بگوئیم: «لأن الأصل في المسافة السير»؟ به صاحب جواهر(ره) می‌گوییم این حرف در مقابل روایات چه معنا دارد؟ یا ما چطور بیاییم و بگوئیم وضع لغوی چنین و چنان است؟ به نظر ما و بر خلاف نظر صاحب جواهر(ره)، اینها را باید کنار بگذاریم چرا که اینها دیگر شبه اجتهاد در مقابل نصّ است، چون نصّ بر ثمانیه فراسخ داریم. بلکه شما می‌توانید در ثمانیه فراسخ بگوئید نصّی هم بر مسیره یوم داریم، نصّی هم بر بياض يوم داریم و آنها را به میدان بیاورید.

و از این جهت آنهایی هم که می‌گویند ثمانیه فراسخ، اینجا می‌خواهیم اشکال کنیم به مرحوم محقق حائری(ره)، یا مرحوم شیخ انصاری(ره)، می‌گویند ثمانیه فراسخ اضبط است چون در مسیره یوم اختلاف است، زیرا یک کسی مسیره یوم برایش، سه فرسخ است و برای یک شخص دیگر، ده فرسخ است و یا یک کسی روزش در حجاز 12 ساعت است و در بعضی از نقاط روزش 22 ساعت است، یکی از نکاتی که ما داریم این است که شارع چطور می‌تواند بگوید آنجایی که روزش 12 ساعت است، با جایی که روزش 22 ساعت است...، بگوید مردمی که دارند در نروژ و سوئد زندگی می‌کنند که این ایام روز آنها 21 یا 22 ساعت است، حالا اگر شما می‌خواهید قصر کنید باید 22 ساعت راه بروید، ولی آنهایی که در حجاز زندگی می‌کنند 12 ساعت. شیخ انصاری(ره)، مرحوم حائری(ره)، اینها گفتند چون ثمانیه فراسخ اضبط است. من عرضم این است که در این بحث این حرف‌ها را باید کنار گذاشت، حتی عکس این قضیه را هم داریم یعنی بعضی گفتند مسیره یوم اضبط است ولی اینها را باید کنار بگذاریم، اینکه اصل در مسافت چیست؟ کدام اضبط است و کدام به عنوان دلیل، نمی‌تواند در این میدانی که روایات وجود دارد، ما باید این روایات را بیائیم یک جمعی بینشان کنیم و ببینیم از روایات چه چیزی استفاده می‌شود؟

بررسی نظریه مختار پیرامون کیفیت جمع بین روایات وارده در مقام؛

ضابطه همان ثمانیه فراسخ است که مشهور بالاتفاق قائلند. در نتیجه این نحوه استدلال را که عرض کردم با کمال ادب باید عرض کنیم، شبهه اجتهاد در مقابل نص است. یعنی اینکه ما بگوئیم این تعبیر اضبط است، یا بگوئیم اصل در مسافت، سیر است، اینها به ما ارتباطی ندارد، بلکه ما باید ببینیم شارع در این روایات چه چیزی را ملاک برای قصر قرار داده و آن را بپذیریم.

بنابراین پس از اینکه قول صاحب مدارک(ره) را رد کردیم، قول عینیت و معنای شرعی را نیز رد کردیم و قول اماریت را نیز رد کردیم، حالا ما هستیم و این روایات. لذا بحث این است که آیا بین این روایات تعارض وجود دارد؟ چند نکته در اینجا قابل توجه است که عبارت است از:

نکته اول:

نه روایت، بهترین شاهد بر ضابطیت ثمانیه فراسخ؛
ما می‌گوئیم خود این نه روایتی که می‌گوید مسیره یوم بریدان است، بریدان ثمانیه فراسخ است، این خودش بهترین شاهد است بر اینکه ضابطه عبارت از ثمانیه فراسخ است. البته نکته‌ی دقیقی اینجا مطرح است و آن اینکه ما یک روایت نداریم که بگوید «ثمانیه فراسخ، مسیره یوم» است اما نه روایت در عکس آن داریم، یعنی امام (ع) به سؤال کننده می‌فرماید مقدار قصر، مسیره یوم است، بعد می‌گوید حواست باشد مسیره یوم یعنی بریدان، باز می‌گوید بریدان یعنی ثمانیه فراسخ، یعنی می‌خواهد ضابطه‌ی اصلی را ثمانیه فراسخ قرار بدهد.

نکته دوم:

فراز «لان ثمانیه فراسخ مسیره یوم» در مقام بیان حکمت ضابطه ثمانیه فراسخ است؛
بله ما فقط در یک روایت داریم می‌گوید: «لان ثمانیه فراسخ مسیره یوم»؛ که جواب آن این است که بین این تعبیر و آن تعبیری که در روایت سماعه آمده آیا واقعاً بین اینها فرق وجود ندارد؟ این «لان ثمانیه فراسخ مسیره یوم» نمی‌گوید ثمانیه فراسخ یعنی مسیره یوم، بلکه می‌گوید حکمت جعل برای این ضابطه، این است، در مقام بیان حکمتش است و لذا با «لان» آورده. ما روایتی نداریم بگوید «ثمانیه فراسخ و هی مسیره یوم»!، اما از آن طرف زیاد داریم: «مسیره یوم و هی بریدان و هما ثمانیه فراسخ».

واقعاً بین این تعابیر فرق وجود دارد؛ البته، اینکه در کتاب «من لا یحضره الفقیه» روایت فضل بن شاذان آمده: «لأنّ ثمانية فراسخ مسيرة يوم»، حکمتش را ذکر می‌کند و نمی‌گوید که ثمانية فراسخ یعنی مسیره یوم، اما از آن طرف داریم که می‌گوییم مسیره یوم ثمانية فراسخ است. پس مجموعاً ما این نه روایت را کاملاً قابل جمع می‌دانیم؛ زیرا می‌گوئیم امام(ع) در 38 روایت می‌گوید ثمانية فراسخ و یک روایت می‌گوید مسیره یوم، تنها روایتی که داریم که فقط می‌گوید مسیره یوم، حرفی از فرسخ و برید نمی‌زند یک روایت است، جمع بین این دو دسته روایت و نه تا روایت این است که آن نه تا روایت دیگر می‌گوید مسیره یوم، بریدان است و بریدان هم ثمانية فراسخ است، یعنی امام(ع) می‌خواهد بفرماید که ملاک ثمانية فراسخ است.

نکته سوم:

فراز «لیس الی ذلک ينظر» اشاره دارد به اینکه مسیره یوم ملاک نیست؛ از اینجا مهمتر نکته‌ای است که دیروز عرض کردیم؛ در صحیح ابن حجاج امام(ع) بعد از اینکه اولش فرمود «جرت السنة ببياض يوم»، سائل عرض کرد «یابن رسول الله بياض يوم یختلف»، بعضی از بياض یوم‌ها چهار فرسخ است، بعضی سه فرسخ و بعضی بیشتر است، امام(ع) فرمود «لیس الی ذلک ينظر»، قبلاً هم عرض کردیم یا «ذلک» را بگوئیم یعنی این مقدارش را ما کار نداریم، آن اختلافش را کار نداریم، یا اینکه هیچ کدام از اینها چیزی ندارد! ما عرض کردیم ظهور روشنی دارد که امام(ع) می‌فرماید اصلاً بياض و یوم خودش ملاک نیست و آن حضرت(ع) اشاره کرده بین مکه و مدینه به اینکه هشت فرسخ است و یک مقداری را معین کرده و با دست مبارکشان اشاره کردند که از اینجا تا آنجاست، یعنی «اربعة و عشرون ميلاً» که ثمانية فراسخ است، یعنی باز در روایتی که سائل از خود امام(ع) سؤال کرده و امام(ع) هم نفی کرده و فرموده «لیس الی ذلک ينظر»، حال آیا می‌شود که بگوئیم امام(ع) فرموده این اختلاف در مقدار را کار نداشته باش ولی خودش را ملاک قرار بده؟ پاسخ این است که در این صورت مسیره یوم که مبهم می‌شود و اینکه بعد امام(ع) بفرماید این اختلاف در مقدار نه، هر چه شد!!! پس منظور امام(ع) این نیست، بلکه منظور امام(ع) در مورد مسیر یوم این است که می‌فرماید «لیس الی ذلک ينظر»، اصلاً به مسیره یوم کاری نداشته باش! و آنچه ملاک است ثمانية فراسخ است.

پس ما مختارمان همین نظریه‌ی مشهور قریب به اتفاق است که ملاک همین «ثمانية فراسخ» است همین نظری که در متن «تحریر الوسيلة» امام خمینی(ره) آمده و بعد گفتیم آن «لأنّ ثمانية فراسخ مسیره یوم» و آن روایاتی که می‌گوید «مسیره یوم و هی ثمانية فراسخ»؛ اینها همه دلیل بر این مدعاست و ما می‌آئیم مسیره یوم را حکمت برای این ضابطه قرار می‌دهیم و می‌گوئیم؛ خدای تبارک و تعالی و شارع مقدس همین طوری گزافاً و جزافاً یک کاری را انجام نداده، بلکه یک چیزی را ملاحظه فرموده که مسیر یوم تام، «هشت فرسخ» است، اما بعد آمده ضابطه را «الی یوم القيامة»، هشت فرسخ قرار داده و اینها هم اگر واقعاً اختلاف مرکوب یا وسیله‌ای که انسان با آن به سفر می‌رود همچون اسب، بقر و شتر، موثر بود باید امام(ع) متعرض می‌شد و قبلاً عرض کردم این حرف‌هایی که این روزها می‌زنند را نباید توجه کنید، چرا که اختلاف در مرکوب آن زمان هم بوده، چرا که شتر متوسط می‌رفته، استر خیلی تند می‌رفته و گاو هم خیلی آهسته می‌رفته ولی هیچ یک از اینها ملاک نیست، بلکه امام(ع) فرمود هشت فرسخ ملاک است؛ در نتیجه اگر کسی هشت فرسخ را در یک دقیقه هم برود این ضابطه واقع شده و شارع کاری ندارد به اینکه حالا افراد و اشخاص، به چه نحوی به سفر می‌روند؛ بلکه شارع می‌آید ضابطه را قرار می‌دهد، حالا هر کسی به هر نحوی این هشت فرسخ را طی کرد، یک کسی هشت فرسخ را ممکن است در دو روز برود و یک کسی هم ممکن است در یک دقیقه برود. به هر جهت، ضابطه هشت فرسخ است.

بررسی نظریه مرحوم بهشتی(ره) در صلاة المسافرين، دال بر امارت؛

بعضی از فقهای نجف، مثل مرحوم آقای سید علی بهشتی(ره) که از تلامذه‌ی مرحوم محقق خوئی(ره) بوده، هم یک رساله در باب «صلاة المسافرين» دارد و می‌گوید اگر ما بگوئیم این مسیره یوم، عنوان غالب را دارد آن وقت در روایاتی که می‌گوید «مسیره یوم

و هی بریدان و هما کذا»، این می‌شود «عطف الشیء علی نفسه» و این محلّ به فصاحت است. لذا ایشان هم از آنهایی است که مثل مرحوم آقای بروجردی(ره) و اعیانی که از بزرگان ذکر کردیم، می‌گویند ما باید مسیره یوم را حمل بر امارت کنیم «و إلا یلزم عطف الشیء علی نفسه».

مناقشه بر نظریه مرحوم بهشتی(ره) از منظر مختار؛

به نظر ما این فرمایش درست نیست و اگر آمدم گفتیم این حکمت است و این جنبه‌ی غالبی دارد اما باز امام(ع) که عطف می‌کند نمی‌گوید مسیره یوم. ما روایتی نداریم که بگوید «مسیره یوم و ثمانیه فراسخ» بلکه می‌گویند: «مسیره یوم و هی» یعنی تفسیر برای مسیره یوم است و روشن است که تفسیر غیر از این است که ما بگوئیم که «عطف الشیء علی نفسه» شده، شما اگر چیزی بیاورید و بعد تفسیر کنید اینجا عطف وجود ندارد، لذا این هم فرمایش درستی نیست.

جلسه آتی: بررسی نظر قائلین بر معقد اجماع و مناقشه در آن؛

حالا از همه‌ی اینها که بگذریم سؤال این است که معقد اجماع فقها چیست؟ آیا معقد اجماع فقها دو چیز است، یکی ثمانیه فراسخ است و دیگری مسیره یوم است؟ یا اینکه معقد اجماع فقها یک چیز است، یعنی فقط ثمانیه فراسخ است ولو بعضی مثل صاحب مدارک(ره) می‌گویند این هم جزء معقد اجماع فقها هست اما به نظر ما حرف درستی نیست، جلد دهم مفتاح الکرامه صفحه 318 را مطالعه کنید.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين